

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوان و دوران بلوغ

دوره سیزدهم، شماره دوم

نام جزوه: جوان و دوران بلوغ
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق
ناشر: موسسه در راه حق
نوبت چاپ: مکرر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش
چاپخانه: سلمان فارسی
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- ۵.....رشد ذهنی و عقلی جوان
- ۷.....ظهور هویت «من» در جوان
- ۱۲.....ترس در جوان
- ۱۷.....خشم در جوان
- ۲۲.....محبت
- ۲۳.....احکام دوران بلوغ
- ۲۹.....اهمیت دوران بلوغ
- ۳۶.....کشمکش های درونی و عوامل مهیج بیرونی

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۵

رشد ذهنی و عقلی جوان

جوان در این دوره، رشد ذهنی بیشتری پیدا می کند و از لحاظ ابزار ذهنی به حداکثر تحول عقلی خود می رسد. او می تواند کاملاً عملیات ذهنی را انجام دهد.

آنچه یک بزرگسال را از یک نوجوان، ممتاز می کند، تعقل و تجربه است، جوان به خوبی می تواند قضایای منطقی را دریابد و خوب و بد را از هم تمیز دهد؛ می تواند به سادگی در مورد کلهایش استدلال کند، زیرا نوعی هماهنگی بین توانایی های ذهنی و عملی او به وجود آمده است. استعدادهایش از حالت عمومی - بر اساس رغبت ها و ذوقها مثنی -

جهت‌گیری خاص پیدا می‌کند و به یکی از کارها و یا فعالیت‌های فنی و هنری و... علاقه‌مند می‌شود.

دارای قدرت تفکر گردیده و می‌خواهد خود را از قید واقعیت‌های محسوس و ملموس دوران کودکی رها سازد. ممکن است در بعضی از مسائل شک کند، ولی او می‌خواهد باورها و اعتقادهای خود را دوباره، بازسازی کند و آن‌ها را از روی استدلال و دلیل قبول کند؛ به همین جهت در مکتب اسلام، در دوران بلوغ و تکلیف از جوان خواسته شده است که عقاید والدین را به صورت تقلیدی نپذیرد، بلکه اصول اعتقادی را با استدلال منطقی یاد بگیرد تا در اعماق جاننش نفوذ کند و در حوادث و پیشامدها برای او شک و تردید حاصل نشود. در این مرحله از زندگی

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۷

او باید بداند که زندگی فقط در خورد و خوراک ، خلاصه نمی‌شود و دیگر نباید، همچون دوران کودکی به دنبال لذت‌جویی و لذت‌گرایی باشد. هدفی عالی در زندگی انسان وجود دارد، که باید آن را تعقیب کند و در مسیر کمال حرکت نماید . باید چگونه زیستن را بیاموزد و با برگرفتن رهنمودهایی از زندگی انسان‌های به کمال رسیده، چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) خطوط زندگی نوین خود را ترسیم نماید.

ظهور هویت «من» در جوان

جوان در دوره بلوغ با بحران‌های فوق‌العاده‌ای روبرو می‌شود، که از سه محور او را محاصره کرده است:

۸ / جوان و دوران بلوغ

بحران بیولوژیکی؛

بحران روحی و روانی؛

بحران اجتماعی.

در بحران بیولوژیکی، بدن جوان تغییرات زیادی پیدا می‌کند که با تحریک های جنسی توأم است. در مرحله اول، جوان باید خود را با این تحوّل ها و تغییرهای جدید جسمی و جنسی سازگاری دهد. در بحران های اجتماعی، جوان نیازهای اجتماعی خود را به صورت شرکت در فعالیت های جمعی و اظهار تعلق به گروه و عضویت در آن برطرف می‌سازد. مسأله مهم در بحران روحی و روانی، یافتن هویت «خود» است. او تا به حال تصور

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۹

درست و روشنی از خود نداشته، ولی کم کم خود را
به صورت یک وجود نوظهور، کشف می‌کند.

او باید هویت دوره‌های قبلی زندگانی‌اش را با
موقعیت جدیدش، پیوند دهد؛ در اینجا است که هویت
فردی‌اش شکل می‌گیرد. حالت‌هایی را در خود
احساس می‌کند و گاهی هم که تنها می‌شود به
جستجوی سؤال‌های چون:

من کیستم؟

جهان پیرامون من چیست؟

رابطه من با جهان، چگونه است؟

من کجای عالم هستم؟

هدف من چیست؟

من چگونه باید باشم؟

می‌پردازد. همه این پرسش‌ها بر اثر «بحران هویت» و آگاهی به خود برای جوان پیش می‌آید و او را دچار یک نوع نگرانی و سرگردانی می‌کند. جوان در جستجوی شخصیت خود، به این نتیجه می‌رسد که چیزهایی را که برای او مهم و کارهایی را که برایش ارزشمند است بشناسد. همچنین او در پی به دست آوردن معیارهایی است که بتواند بر اساس آن‌ها رفتار خود و دیگران را مورد قضاوت و ارزشیابی صحیح قرار دهد.^۱ این

۱. اگر جوان با تحقیق دقیق به اندیشه‌های اصیل نپردازد و با اصول جهان بینی اسلامی آشنا نگردد، افکار و اندیشه‌های خشک علمی، عقل‌اوارا در حساس‌ترین و فعال‌ترین دوران عمر، مغلوب انواع تخیل‌ها و توهم‌های خیال‌انگیز و رؤیاهای کاذب خواهد نمود. در چنین شرایطی جوان قادر به تشخیص راه درست از نادرست و

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۱۱

جستجوی ذهنی، اگر مسیر طبیعی‌اش را طی کند و براساس بینشی صحیح، پاسخی منطقی دریافت دارد، شخصیت فردی و اجتماعی‌اش درست شکل می‌گیرد و احساس اعتماد به نفس در وی قوت می‌گیرد. در این مرحله است که نقش سازنده و حیاتی دین در توجه دادن وی به سوی خدا و مبدأ کمال و نیز در پرورش روح و روان و شخصیت جوان آشکار می‌گردد. زی‌ابه پرسش‌های عمیق و ظاهراً ساده که از ضمیر ناخودآگاه جوان، سرچشمه گرفته و بعضاً در ذهنش طرح می‌گردد، پاسخ داده می‌شود و به قلبش

موضع‌گیری صحیح از ناصحیح نخواهد بود، زیرا او در عالم رؤیاهای شیرین دوران جوانی غوطه‌ور شده و از حقایق و مسلمات جهان خارج و از شناخت مبدأ کمال و آفرینش و وسایل تکامل و نزدیکی به آن، جدا شده و بی‌خبر مانده است.

۱۲ / جوان و دوران بلوغ

ثبات و آرامش بیشتری می‌بخشد و او را از سرگردانی روحی و روانی، نجات می‌دهد.

در این صورت است که شخصیت جوان، شکل و جهت می‌گیرد و با الگوگیری از شخصیت‌های بزرگ پیشوایان دینی، اراده‌اش قوی می‌گردد، به طوری که با همتی بلند، بزرگ‌ترین نیروی دوران زندگی خویش را در راه سازندگی خود و دیگران به کار می‌اندازد.

ترس در جوان

تجربه‌ها و تحقیق‌ها نشان داده است که اغلب ترس‌های موهوم و بی‌پایه دوران کودکی (مانند ترس از تاریکی و تنهایی و حیوانات و...) در دوره جوانی

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۱۳

از بین رفته و جای خود را به ترس‌های جدیدی که مخصوص این دوره است، می‌دهند.

آن دسته از ترس‌های دوره جوانی و نوجوانی که به کارهای مدرسه مربوط می‌شود، غالباً به احساس نقص و ناتوانی و زلّده روی در اثبات مقام و موقعیت اجتماعی، برم‌ی‌گردد.

ممکن است تنها گفتگوی میان دوستان و یا خویشاوندان و یا مطالعه بعضی از موضوعات یا شنیدن خبرهایی از رسانه‌ها، اضطراب و پریشانی او را تحریک کند.

او در هراس است که مبادا در امتحان‌ها موفق نشود و یا در آینده با شکست روبرو شود و از عهده انجام تکالیف مدرسه به‌خوبی برنیاید و مورد تحقیر و

سرزنش قرار گیرد؛ می‌ترسد موقعیت او در کلاس درس، متزلزل شده و مورد تمسخر آموزگار و همکلاسی‌هایش قرار گیرد و در آن هنگام، قادر به پاسخگویی نباشد.

نوجوان به همان اندازه که دوست دارد، مستقل و دور از والدین زندگی کند، به همان میزان به آنان علاقه‌مند و وابسته است، به‌خصوص ترس و وحشتی او را فرامی‌گیرد که مبادا والدین او بیمار شده و یا مصیبتی برایشان پیش آید و یا یکی از آنان را از دست بدهد؛ همچنین به خاطر وضع اقتصادی و مالی خانواده، گاهی جوان در نگرانی به سر می‌برد، که مبادا فقر و بی‌چیزی به آنان روی آورد و گاهی از وضعیت سلامتی خود و بیمار شدن، بیمناک است و

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۱۵

یا از این که نتواند در آینده شغلی به دست آورد و یا عهده دار مسئولیت و کاری بشود، هراس دارد و از جهت اجتماعی مواظب است که به حیثیت اجتماعی و اخلاقی‌اش لطمه‌ای وارد نشود. در چنین شرایطی از روبرو شدن با واقعیت‌ها، دوری می‌جوید و از کفایت خود، نگران است.

بنابراین، ترس و اضطراب از آینده‌ای مجهول، کمرویی و گریز از موقعیت‌های زندگی، پریشانی و افسردگی به خاطر غوطه ور شدن در ناراحتی‌های گذشته، همه و همه، شخصیت نوجوان را متزلزل و او را دچار نگرانی‌های روحی و روانی می‌کند. در این زمان و موقعیت است که جوان، نیازمند یک پایگاه امن فکری و محل اتکای روحی مطمئن می‌باشد تا

این که قلب او از دلهره و اضطراب درباره آینده و هراس و نگرانی در مورد زمان حال، رهایی یابد و برای ادامه زندگی آرامش پیدا کند.

در چنین شرایطی یاد خدا مایه آرامش دل جوان می‌گردد و باصفای باطنی که دارد و گرایش مذهبی‌ای که در فطرتش نهفته است، نقطه امید در قلبش روشن می‌شود و اضطراب روان‌ی‌اش کاهش می‌کند.

تجربه، نشان داده است جوانانی که به خدا ایمان داشته و در حوادث زندگی به او توکل می‌کنند، ترس و اضطراب به دلشان راه نمی‌کند و همواره در صحنه‌های زندگی با عزمی راسخ و اراده‌ای پولادین در برابر حوادث، پایداری نشان می‌دهند،

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۱۷

به طوری که اطرافیان را شیفته شجاعت و ابتکار خود کرده و به شگفتی وامی‌دارند.

صحنه‌های جنگ در سال‌های اخیر، بیانگر این شجاعت‌های برخاسته از ایمان به خداست؛ مثلاً، یک نوجوان تازه‌بالغ، بدون سلاح، چندین نفر از افراد دشمن را اسیر کرده و آنان را تا جایگاه نیروهای خودی آورده و تحویل آنان می‌دهد.

خشم در جوان

در جوان، خشم یک حالت تهاجمی و دفاعی است که هرگاه منافع و مصالح شخصی‌اش به خطر افتد یا مانعی در سرپوشش به هدف پیش‌آید و یا در انجام کاری ناتوان باشد، این خشم در او ظاهر می‌گردد. واکنش‌های خشم در جوان بسیار متفاوت است،

به خصوص در اوایل بلوغ؛ در عده‌ای به صورت تمرّد و سرپیچی و در برخی به گونه دادوفریاد کشیدن و در عده‌ای دیگر به صورت سکوت همراه با اخم و گوشه‌گیری و افسردگی نمایان می‌شود؛ زمانی به صورت عکس‌العمل‌های تکراری از قبیل: کوبیدن پا به زمین و یا به درودیوار، ظاهر می‌گردد.

مدت‌زمان خشم در نوجوان بیش از کودکان

است و عوامل محرک خشم در نوجوان، گاهی چیزهایی است که از آن محروم می‌شود و بین او و آرزوهایش فاصله می‌افتد و یا از خواسته‌های آغزاش جلوگیری می‌شود؛ مثلاً، م‌ی‌خواهد بخوابد مانع خوابیدن او م‌ی‌شوند و یا او را از خواب بیدار می‌کنند و یا خود دست به کاری می‌زنند، اما از انجام

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۱۹

آن، ناتوان است و یا زمانی که خود و خانواده اش
مظلوم واقع می‌شوند و یا وقتی که اطرافیان به اشیا و
وسایل او دست‌درازی می‌کنند.

گاهی خشم وی متأثر از عوامل طبیعی است،
مثل (تغییر) هوای خیلی سرد و یا حرارت سوزان و
طوفان، گاهی هم خشم در مقابل رفتار والدین پدید
می‌آید.

جوان در تمام این حالت‌ها باید خونسردی
خود را حفظ کند و سعی نماید، تعادل خود را از
دست ندهد و قبل از هر عمل یا عکس‌العملی که
می‌خواهد انجام دهد، عاقلانه بیندیشد، چراکه میدان
دادن به غضب، انسان را در زندگی کم‌کم به یک
حالت حساسیت عصبی می‌کشاند و در این هنگام،

۲۰ / جوان و دوران بلوغ

عقل رو به ضعف می‌گراید. افراط در خشم و غضب موجب می‌شود که شخص، مبتلا به نوعی جنون گردد و هر عملی را که عقل، مجاز نم‌ی‌داند از او صادر شود.

پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله) فرمود: «غضب ایمان را فاسد می‌گرداند، همچنان که سرکه، عسل را»^۱ و نیز از امام صادق (علیه‌السلام) نقل گردیده است که درباره غضب فرمود: کلید هر شر و بدی، خشم است.^۲

جوان در برابر والدین و دوستان و زیردستان خود، باید خشم خود را کنترل کند، اما هنگامی که

۱. الغضب یفسد الایمان کما یفسد الخلّ العسل، اصول کافی.

۲. الغضب مفتاح کل شر، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۶۶.

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۲۱

می‌بخشد حقی ناحق می‌شود، دیگر نباید دم فروبندد ، بلکه در این صورت باید خشم خود را به طور طبیعی و معقول اظهار کند و از حق دفاع نماید، ولی از جاده عدالت و اعتدال خارج نشود.

در مورد پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه وآله)

نقل گردیده است که او به خاطر دنیا خشمگین نمی‌شد، اما هرگاه پای حق به میان می‌آمد و حقی ناحق می‌شد، غضبناک می‌گردید و هیچ کس او را نمی‌شناخت و آرام و قرار نمی‌گرفت تا این که حق را به حق دار برگرداند و ستم را از ستمدیده برطرف نماید.^۱

۱. قال علی (علیه السلام): کان النبی (صلی الله علیه وآله) لا یغضب للدنیا فاذا اغضبه الحق لم یعرفه احدٌ و لم یقم لغضبه شیء حتی ینتصر له؛ میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۴۰.

محبت

محبت و دوستی یکی از عواطف بسیار مهم و باارزش در جوان است که به خصوص در دوران بلوغ، شدید بوده و می‌توان آن را یکی از ویژگی‌های این دوره دانست. احساس دوستی و ابراز محبت به دیگران، همسالان و بزرگ‌ترها نشان‌گر یکی از نیازهای طبیعی اوست.

هنگام بلوغ، در نوجوان نسبت به جنس مخالف محبت و دوستی پدید می‌آید. این کشش، نشانه‌ای از رحمت الهی است که خداوند برای استواری نظام خانواده و گزینش همسر در آینده، برای او تدارک دیده است.

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۲۳

در حقیقت، این احساس محبت، یکی از اساسی‌ترین شالوده‌های نظام خانواده در روابط اجتماعی او به شمار خواهد آمد و بنای استوار زندگی خانوادگی او را در آتیه تشکیل خواهد داد. خداوند می‌فرماید: و از نشانه‌های قدرت الهی، این است که برای شما از جنس خودتان ازواجی بیافرید تا در کنار او آرامش یابید و بین شما رحمت و محبت، جاری کرد...^۱.

احکام دوران بلوغ

بنا به نظر شرع مقدس اسلام، دختر بعد از تمام شدن نه سال قمری و پسر پس از اتمام پانزده سال

۱. و مِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً...؛ سوره روم، آیه ۲۱.

قمری بالغ می‌شود؛ چنانچه پسر قبل از رسیدن به پانزده سالگی محتمل شود یا این که موی زبر در محل مخصوص^۱ پیدا شود، مکلف است.

کسی که به حد بلوغ رسیده، نماز و روزه و مقدمات آن‌ها (وضو، غسل و ...) بر او واجب می‌شود و باید برای انجام احکام مورد احتیاج خود از مجتهد جامع الشرائط تقلید کند. علایم رشد و بلوغ، اختصاص به انسان ندارد، بلکه آفریدگار جهان در همه موجودات عالم، اعم از انسان، حیوان و نبات به نحوی خاص، این پدیده شگفت‌انگیز را قرار داده

۱. در این جا غرض از محل مخصوص، اطراف و بالای عورت است و مستحب است که این مو برطرف و بهداشت آن رعایت گردد.

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۲۵

است که پس از چندی در آنها استعداد باروری و تولد مثل، به طور طبیعی نمایان می‌گردد.

علامت بلوغ در نوجوان پسر، به صورت احتلام ظاهر می‌شود. انسان، اشرف مخلوقات است و این حالت احتلام در او آیت و نشانه‌ای است از قدرت پروردگار بزرگ که جوان باید با آن آشنا گردد؛ احکام آن را بداند و رعایت نماید. توضیح مطلب به این ترتیب است که جوان، هنگامی که به سن بلوغ می‌رسد، در خواب حالتی خاص به وی دست می‌دهد و هم‌زمان با آن، منی از او خارج می‌گردد و معمولاً بلافاصله بیدار می‌شود.

او نباید از این واقعه نگران باشد، چراکه خداوند متعال با ایجاد دستگاه جنسی در جسم او و

بروز این حالت در دوران جوانی و بلوغ م می‌خواهد ،
نوید آمادگی پدر شدن - به منظور بقای نسل - را به
او بدهد.

در این زمان است که پا به عرصه تکلیف
می‌گذارد و احکام الهی بر وی جاری م می‌گردد ؛ لذا
باید بلافاصله غسل نماید. انجام غسل با احکامی که
وارد شده ، موجب پاکی جسم و صفای روح او
می‌شود. مستحب است در هنگام غسل بگوید: اللهم
طهر قلبی...؛^۱ که این جمله به او آرامش خاصی
می‌بخشد. در این هنگام، نماز و تمامی احکامی که
برای بزرگ سالان واجب گردیده، بر او نیز واجب
م می‌شود . جوان اینک وارد مرحله جدیدی از

۱. خداوند! قلب و روح مرا پاک نما... .

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۲۷

زندگانی‌اش شده و در پیشگاه حضرت حق، مقام و منزلت ویژه‌ای دارد. او اکنون این شایستگی را یافته که مورد خطاب آفریدگار جهان واقع شده و باید به این دعوت پاسخ گوید.^۱

او در این مرحله از زندگانی خود، باید بداند که تمام اعمال، حرکات، رفتار و گفتارش و حتی تصوّرِ اَش تحت محاسبه الهی قرار می‌گیرد و اگر خود را در معرض هدایت مبدأ آفرینش و در مسیر قانون الهی قرار دهد و هماهنگ با برنامه های نظام خلقت عمل کند، هرروز که از عمر گران قدر او می‌گذرد، یک قدم به سوی کمال و سعادت جاوید، نزدیک می‌شود.

۱. و اقم الصلوة لذکری؛ نماز را برای یاد من بپادار، سوره طه، آیه ۱۴.

او باید قدر گوهر جوانی خود را بداند و این مرحله حساس و پُرفراز و نشیب زندگی را خوب درک کند. همواره خود را در محضر خداوند، حاضر و ناظر ببیند و در نمازش از او یاری جوید و دعا کند^۱ تا بتواند در برابر همه مسائل و سختی‌ها ای که در آینده پیش می‌آید، پایداری نشان دهد و بر همه آن‌ها غلبه یابد.

۱. دعا وسیله کمال و رشد جوان است. خداوند می‌فرماید: «ادعونی استجب لکم؛ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.» و در آیه دیگر می‌فرماید: «و اذا سالک عبادى عتّى فانتى قریبٌ اُجیبُ دَعْوَةَ الدّاع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون؛ و هنگامی که بندگانم درباره من از تو سؤال کنند، در پاسخ ایشان بگو همانا من نزدیکم و دعای دعاکننده را اجابت می‌کنم. هرگاه مرا بخوانند، پس باید دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند.»
سوره بقره، آیه ۱۸۶.

اهمیت دوران بلوغ

از نظر اسلام، این قسمت از زندگی انسان، بسیار اهمیت دارد.^۱ در این دوران است که بنای اساسی شخصیت فردی و اجتماعی جوان پایه‌ریزی می‌شود. روش تربیتی اسلام بر این امر تأکید دارد که جوان این دوران را با معرفت و پاکی سپری کند، چراکه: در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبری است ورنه هر گبری به پیری می‌شود پرهیزگار^۲ در این دوران حساس، جوان واقعاً نمی‌داند چه کند و چه چیزی در وجود او دارد اتفاق می‌افتد.

۱. در حدیث آمده است: «خداوند، فرشتگانی دارد که هر شب، فرود می‌آیند و به جوانان بیست ساله ندا می‌دهند: برای رسیدن به کمال و سعادت خود کوشش کنید.»

تغییرهای عمومی بدن و تأثیرهای روانی آن، چنان سریع و همه‌جانبه است که او را دچار تشویش و نگرانی می‌کند و برخوردها و ارتباط‌های او را با اطرافیان و خانواده‌اش دچار مشکل می‌سازد؛ در این زمان است که او شدیداً نیاز به محبت دارد و در پی یافتن یک نقطه اتکای روانی و روحی است و دوست دارد دیگران به شخصیتش احترام بگذارند و او را مورد توجه قرار داده و به حساب آورند؛ به همین مناسبت است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) (ضمن بیان مراحل تربیت، در مورد هفت سال سوم زندگی مقدماتی انسان - که همان دوران بلوغ و جوانی است -^۱ والدین و مربیان را سفارش می‌فرماید

۱. الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین؛

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۳۱

که در این سنین به جوان به عنوان یک شخصیت بزرگسال بنگرند و به او اعتماد نموده و در کارها با وی مشورت کنند. در زندگی خانوادگی نظر او را دخالت داده و به او مسئولیت بدهند تا شخصیتش شکوفا گردد. جوان در این مرحله، خود را هم‌ردیف با سایر اعضای خانواده می‌پندارد و انتظار دارد که از احترام متقابل برخوردار باشد؛ لذا پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: من به تمام شما مسلمانان توصیه می‌کنم که با جوانان به نیکی رفتار کنید و به شخصیت آنان احترام بگذارید.^۱

مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲.

۱. قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): اوصیکم بالشبان خیراً؛

میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۴۹.

در اسلام به جوان، شخصیت داده شده و تاریخ اسلام، گویای این مطلب است. پیامبر بزرگوار اسلام در آخرین لحظه عمر خویش فرماندهی سپاه عظیمی را که می خواست به کشور روم اعزام کند، به عهده جوانی به نام «اسامة بن زید» می دهد.

در گذشته بعضی از علمای بزرگ ما، فرارسیدن دوران بلوغ و تکلیف را برای نوجوانان خود جشن می گرفتند و بزرگان را دعوت نموده و در مراسم باشکوهی از او به عنوان یک فرد بالغ نام برده و حضار مجلس نیز به او تبریک می گفتند و بچین طریق به او می فهمانیدند که این مرحله از زندگی شما سرآغاز حیات باارزش و جدیدی است، که همانند سایر بزرگ سالان رشد یافته، مورد خطاب خداوند (متعال)

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۳۳

قرار می‌گیری و مسؤولیت پیدا می‌کری و باید خود تصمیم‌گیری؛ تو دارای شخصیت مستقل شده‌ای و دررفت و آمدها، در نشست و برخاست‌ها و در ارتباط با دیگران باید حریم و حدود الهی را رعایت کنی... و بدینی‌سان با او به‌عنوان یک شخصیت رشد یافته، رفتار می‌کردند. همین امر به پرورش و ارزش روحی و روانی او کمک می‌کرد و کم‌کم او را برای پذیرفتن وظایف پُر مسؤولیت زندگی آینده خود آماده می‌ساخت.

حال بد نیست در اینجا اشاره‌ای به سفارش‌های «سیدبن طاووس» - یکی از برجسته‌ترین علمای قرن ششم که توفیق تشرّف به خ دمت حضرت ولی‌عصر(علی‌السلام) را داشت - بنمایم.

او در کتابی به نام «کشف المحجبه» در قسمتی از گفتارش در خصوص دوران بلوغ و تکلیف، خطاب به فرزندش چنین می‌گوید: «اگر من با مراحم و عنایاتی که خداوند، مرحمت فرموده است زنده بمانم، روز تشریف تو را به سن تکلیف (بلوغ) عید قرار می‌دهم و یک صد و پنجاه دینار صدقه خواهم داد.

اگر بلوغ تو فرارسد با این کار قیام به خدمت حضرتش خواهم کرد، زیرا مال از اوست و من و تو بنده او هستیم. پس ای فرزندم، محمد، به یاد عظمت مقام و کمال و بخشندگی حضرتش باش که در این هنگام به تو اهمیت داده و فرشتگانش را به سوی تو

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۳۵

فرستاده^۱ تا اعمال عبادی تو را حفظ نمایند و در روز حساب گواه بر تو باشند.

پس در دوران بلوغ و رشد خود، حق آنان را ادا کن و طاعت الهی را به جای آور! در اوقات زندگی خود با ایشان به خوبی و نیکی مصاحبت و هم‌نشینی کن، به طوری که غیر از خوبی و زیبایی از تو چیزی نبینند و نشنوند.

اگر گاهی غفلتی از تو سرزند و از یاد خدا غافل شوی، فوراً توبه کن و بدون تأخیر، در مقام جبران آن برای و صدقه بده، که صدقه آتش گناه را خاموش می‌گرداند و چون به سن و سالی که خداوند

۱. ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلِ الْاَلَدِيْهِ رَقِيْبٌ عَتِيْدٌ؛ سخن از خیر و شر به زبان نیاورد (انسان) جز آن که در نزد او فرشته ای نگهبان و آماده (نوشتن) است. سوره ق، آیه ۱۸.

جلّ جلاله تو را به کمال عقل مشرف فرماید،
بررسی و صلاحیت و شایستگی سخن گفتن و
روبرو شدن (در نماز) با حضرتش به تو عطا کند و
شایستگی ورود به ساحت قدسی‌اش را به اطاعت و
بندگی به تو مرحمت فرماید، آن روز را در نظر بگیر
و تاریخ آن را یادداشت کن و آن را از بهترین و
بزرگ‌ترین اعیاد خود قرار بده و هر ساله در آن روز
تجدید شکر خدا بنما و صدقه بده و بخش از پیش به
طاعت خداوند پرداز.»^۱

کشمکش‌های درونی و عوامل مهیج بیرونی

در انسان کشش‌ها و تمایلات مختلفی وجود دارد.
خداوند این کشش‌ها و تمایلی‌ها و غرایز طبیعی را

۱. سید بن طاووس، کشف المحجّه.

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۳۷

برای هدف و مقصودی عالی در وجود بشر به ودیعت نهاده است. جوان در این مرحله از دوران زندگی خود علاوه بر میل به غذا و استراحت و غریزه جنسی، مجهز به قوه عقلانی است. در هنگام بلوغ، قوه تعقل و تفکر در او از جهت آمادگی برای فعالیت، به کمال خود می‌رسد.^۱

۱. گرچه قوه تعقل در جوان تقویت می‌شود، ولی او به کمال عقلی نمی‌رسد، زیرا عقل برای تکامل، محتاج علم و تجربه است. او به تدریج با تحصیل علم و اندوختن تجربه، به کمال عقلی نزدیک تر می‌شود؛ لذا باید جوان از مشورت و مطالعه غفلت نکند، زیرا بزرگ‌ترین نقطه ضعف جوان نداشتن بصیرت در امور است. جوان باید با جدی گرفتن تعقل، جلو تخیل را در خود بگیرد؛ تخیل، جولان فکر در خارج از م‌وازین عقلانی و منطقی است. بنا به عللی که در روان‌شناسی توضیح داده می‌شود، تخیل در جوان قوی است.

جوان نباید به همه خواسته‌ها و تمایلی‌هایی که در ذهن و خاطره‌اش وارد می‌شود، بلافاصله جامه عمل بپوشاند، بلکه باید در کارها، پس از تفکر و اندیشه کافی و بررسی همه جانبه آن، عاقلانه تصمیم بگیرد، زیرا نفس انسانی هم در معرض دعوت به کارهای خیر و عقولانی و هم در معرض وسوسه به کارهای شرّ و شهوانی قرار دارد.^۱ کسی در این صحنه

۱. همه این نیروها و خواسته‌ها و کشش‌ها ابزارهایی هستند در دست عقل که برای فعالیت‌های حیاتی و تکامل انسان در شؤون مختلف زندگی از آنها استفاده می‌کند. اگر نیروی عقل، قوی باشد و خیر و شرّ و مصلحت و مفسده را خوب تشخیص دهد و تسلط خود را بر نیروهای دیگر حفظ کند، انسان در راه صحیح قرار می‌گیرد و به سوی سعادت ابدی پیش می‌رود. ولی اگر به غریزه شهوتش و یا به احساس‌ها و عواطفش میدان دهد، در این صورت، کم‌کم ندای عقل خاموش می‌گردد و مغلوب هوای نفس، واقع شده و انسان به سراشیبی

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۳۹

نبرد و مبارزه داخلی پیروز می‌گردد که جانب عقل را
مراعات کند. در قرآن کریم تأکید فراوانی درباره
اندیشیدن در کارها و تعقل کردن در امور شده
است.^۱

با بروز تماطی‌های جنسی در این دوران، جوان،
بیشتر مورد هجوم و سوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرد
و به همین جهت است که تکلیف پیدا می‌کند؛ لذا
پاک ماندن جوان در این دوران، ارزش فراوان دارد.
در حدیث آمده است که خداوند به جوان پرهیزکار

سقوط و انحطاط اخلاقی افتاده و از حیوان هم پست تر می‌گردد و در
نتیجه به طرف شقاوت ابدی می‌گراید.

۱. كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ سوره بقره، آیه ۲۴۲، در
قرآن کریم در بیش از صد آیه به اندیشیدن در کارها و پدیده ها
سفارش شده است.

مباهات می‌کند و به ملائکه می‌فرماید: به بنده ام نظر کنید که شهوتش را به خاطر من ترک کرده است.^۱

جوان در این دوران با مسائل و حوادث

گوناگونی روبرو خواهد شد و برای بارور شدن شخصیتش در معرض آزمایش‌های فراوان الهی قرار خواهد گرفت؛ در محیط زندگی او زمینه‌های بسیاری برای رشد و سعادت و یا سقوط و شقاوت، پیش خواهد آمد. او با افراد آلوده و بی‌بندوبار و منحرف، مواجه خواهد شد و در معاشرت‌های روزانه ممکن است با زنان و دخترانی روبرو گردد که عفت اخلاقی

۱. ان الله تعالى يُباهي بالشبابِ العابدِ الملائكةَ يقول :

انظروا الی عبدی ! ترک شهوته من اجلی؛

میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹.

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۴۱

و ضوابط شرعی را رعایت ننمایند، لذا موقعیت برای انحراف جوان، فراهم می‌شود... جوان در این هنگام باید کاملاً هوشیار باشد و قدر پاکی و سلامت روانی خود را بداند و دامن خود را آلوده نسازد، بلکه خویشتن داری کند. گاهی ممکن است یک نگاه، سرآغاز لغزشی بزرگ بپای او باشد. اهمیت پرهیز از نگاه آلوده به حدی است که به جرأت می‌توان گفت، کسی که نگاه خود را کنترل نکند، موفق به نگهداری غریزه جنسی خویش نمی‌شود.

بنابراین، اولین قدم اساسی و عملی در کنترل شهوت، مراقبت از نگاه و چشم‌چرانی است. قرآن صریحاً هشدار می‌دهد: «به مردان مؤمن بگو که

چشم‌ها ی خود را (از حرام) و دامن خود را از آلودگی نگاه دارند...»^۱.

درواقع نگاه کردن، مقدمه اشتغال فکر به

عواقب و خاطره‌های مربوط به آن است؛ زیرا پس از نگاه، صحنه‌های مهیج در ذهن، باقی می‌ماند و احساس‌ها و اراده انسان را تحت تسلط خود درمی‌آورد و انسان، تابع شهوات خود می‌گردد. جوان باید سعی کند به جنس مخالف نگاه نکند و اگر غفلتاً نگاهش افتاد، لااقل تماشا نکند، بلکه چشم خود را بلافاصله متوجه جای دیگر نماید و از نگاه مجدد، جداً خودداری کند. باید جوان را از شرکت در

۱. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...؛ سوره نور،

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۴۳

برنامه‌ها یا مهمانی‌هایی که او را به نگاه‌های هوس‌آلود وادار می‌نماید، منع کرد. زیرا اثر نگاه‌های مستمر و طولانی، به مراتب، بیشتر از نگاه‌های گذرا و آنی در کوچه و خیابان است.^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «نگاه به نامحرم،

تیر زهرآلودی است که از ناحیه شیطان، پرتاب می‌گردد و هر کس از خوف خدا آن را ترک کند، خداوند به او ایمانی می‌دهد که شریعتی‌اش را در دل احساس نماید» و نیز آن حضرت می‌فرماید: «از

۱. باید توجه داشت که حریم زن و مرد نه تنها در محیط خارج از خانواده و فامیل، باید حفظ شود، بلکه بایستی در بین فامیل و بستگان نزدیک نیز اجرا شود، نباید پنداشت که وابستگی‌های خانوادگی و این‌که (مثلاً) از بچگی با هم بزرگ شده‌اند، مصونیتی در این مورد به وجود می‌آورد.

چشم چرانی (نگاه بعد از گناه) پرهیزید که بذر شهوت را در دل می‌کارد و صاحب خود را در فتنه و فساد می‌اندازد.»^۱

عامل دیگری که نقش بسیار مؤثری در تحریک میل جنسی دارد، نیروی تخیل و فکر است. نیروی تخیل که خداوند، آن را برای پلندگی فکری و آفرینندگی هنری در وجود انسان به ودیعت نهاده است، در دوران جوانی ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گرفته و تحت تأثیر و تسلط غریزه جنسی و وسوسه‌های شیطانی قرار گیرد و فرد به خود رضایی بپردازد. در بعضی موارد، حتی نفوذ یک فکر و خیال هوس آلود، آن‌هم برای یک لحظه و

۱. وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۱۳۹، ح ۵ و ۶، چاپ ۲۰ جلدی.

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۴۵

مشغول نمودن فکر به آن، کافی است که انسان را از حالت طبیعی خارج کرده و میل جنسی او را تحریک نماید. بنابراین باید همان‌طور که چشم خود را از نگاه‌های بی‌مورد و حرام باز می‌داریم، اندیشه و خیال خود را نیز از هرگونه تصوّر بی‌مورد و حرام نگاه‌داریم و به محض خطور چنین فکری، خود را با فکر دیگری مشغول سازیم و سعی کنیم، فکر قبلی را کاملاً فراموش نماییم.^۱

۱. برای این که افکار باطل و شهوت انگیز به ذهن انسان، خطور نکند، باید تا آن جا که می‌تواند از یاد خدا غفلت نرزد و اوقات خ و د را با برنامه‌های مفید و سودمند پُر کند تا دیگر مجال برای وسوسه‌های بیجا و تخیل و توهم

بنابراین برای آن‌که جوان از چنگال این تمایزها و کشش‌ها رهایی یابد و عقل و منطق بر سرتاسر وجودش حاکم و فرمانروا باشد، لازم است

درباره صحنه‌های شهوت انگیز باقی نماند، چرا که بیکاری منشأ تمام انحرافات است (به خصوص در ایام تعطیلی تابستان) لذا دانش‌آموزان و جوانان عزیز باید اوقات فراغت خود را با برنامه ریزی صحیح به مطالعه در کتابخانه‌ها و یا تحقیقات علمی و فعالیت‌های فنی و ابتکاری که زمینه‌های اختراع و اکتشاف را در آنان فراهم می‌سازد، مشغول کنند، در ضمن از فعالیت‌های ورزشی و سالم‌سازی بدن، غفلت نورزند.

دوره سیزدهم، شماره دوم / ۴۷

که با اجتناب از زمینه‌های انحراف به عقل خود میدان
دهد و آن را با ایمان به خدا و انجام نیایش و عبادت
تقویت کند تا بتواند در مقابل تمایل‌های درونی و
کشش‌های بیرونی، خود را کنترل نماید و چشم و
گوش بسته تسلیم آنها نشود.

پایان